

استرآباد آمده عارض است.

دربا بامیر مؤید

به عرض رفته بود سیف الممالک برای اصلاح آمده به اتفاق نماینده حکومت به او به نفس سردار می‌روند. امیر مؤید قرارداد کرده است که شخصاً برود به کربلای معلی مجاور بشود. يك پسر او را در سوادکوه برای سرپرستی مواشی و املاك بگذارند و پسر دیگر راهم [بد] نوکری اختیار نمایند. تاچه اقتضا کند.

درباب مستشارالدوله

مشارالیه در گموش تپه کمیسیون را منعقد و چادر زده توقف دارند. تاچه اقتضا کند

نمره ۴۱۵

۲۲ دسمبر ۱۹۲۲

درباب اسیر

شانزدهم ماه دسمبر خبر رسید تراکمه طایفه جعفربائی آفاسیدمحمود روضه‌خوان را دو فرسخی مغربی اسیر کرده بردند. بدتوسط آقامیرزاهادی پنجاه تومان وجه، يك بار برفج برای نفس سردار فرستاده شده، مشارالیه را خریداری نموده آوردند.

دربا بقتل

ایضاً خبر رسید پسر شیخ صالح ساکن کفشگیری يك نفر رفیق خود شیخ محمدنام را بدون سابقه به قتل رسانیده فراراً به جعفربائی می‌رود پناهنده می‌شود.

درباب نزاع

مستشارالدوله در گموش تپه ساکن است. اسمعیل خان سلطان با چهار نفر قزاق برای شغلی به گموش تپه می‌رود. ده نفر قزاق و يك نفر صاحب منصب هم از طهران برای توحیه مستشارالدوله همراه آمده قراول باشند. اسمعیل خان بدون اطلاع به سمت چادر مستشار الدوله می‌روند. قزاق قراول مانع از رفتن ایشان می‌شود. قزاق را سیلی می‌زنند. آدمهای مستشارالدوله بدحمایت قزاق قراول ریخته کتک زیادی به اسمعیل خان می‌زنند. خبر به اداره قشونی رسیده مجدداً يك نفر صاحب منصب برای اصلاح به گموش تپه فرستادند.

درباب قتل

شب هیجدهم ماه مذکور در قریه نودیجه رعیتی را پهلوی عیالش به قتل رسانیدند.

از قرار مذکور قاتل باعیال مقتول دوستی داشته. تاجه اقتضا کند.

درباب قتل

بیستم ماه دسمبر میرزا حسین خان تحصیلدار اداره خالصه که از طرف ایوب خان میرپنجه مأمور قرای خالصه کتول بوده مقصری را می آورند امر به حبس می نمایند. رعیت اطاعت به حبس را نمی کند. قزاق تیرزده فوراً عزیزنام رعیت مقتول [شده]، نعش او را روز بیست و یکم مقارن غروب به شهر آورده منزل حاج شیخ حسین برده تفلیم نمودند. تاجه اقتضا کند.

نمره ۱

غره ماه جنواری ۱۹۲۳

درباب سرقت

هفده رأس مال مکاری را طایفه اتابائی چپاول کرده بودند ۲۱۵. رئیس قشون مالها را طلب می کند. روز بیست و چهارم دسمبر مالها را در شهر تسلیم حکومت می نمایند. هفتاد تومان عشریه از صاحبان مال گرفته مالهای مکاری [را] مسترد نموده شب [بیست و] پنجم در کاروانسرای قیصریه منزل می نمایند. مجدداً تراکمه اتابائی که شخصاً ماهی شازده تومان حقوق می گیرند کاروانسرا را شکافته هفده رأس مال را به سرقت بردند.

درباب حکومت

به این خرابی و اغتشاش و قتل و غارت آقای امیر احتشام حکومت نظامی استرآباد به وزیر جنگ شاکی شده است که استرآبادی منتشر نموده اند که بنده معزول شده ام. وزیر جنگ جواب می دهد این انتشار است. بکلی بی اصل است و مستقیماً به مقرر حکومتی برقرار باشید. ایشان متحدالمال ۲۱۶ به طوایف یموت نوشته و فرستادند.

درباب چپاول

بیست و ششم ماه دسمبر پنجاه نفر رعیت کرد محله به طایفه جعفر بائی رفته نود رأس گاو، هفت رأس مادیان، بیست و نه رأس گاو میش چپاول کرده یک نفر ترکمان را مقتول [ساخته] سرش را بریده آوردند کلام سر کرد محله، سر ترکمان را فرستاده بردند. تاجه اقتضا کند.

۳۱۵- کذا در اصل، ظاهراً «بردند» درست است.

۳۱۶- اصل: متحدالمال.

درباب قتل

شب بیست و هفتم ماه مذکور چند نفر تراکمه اتابائی در شهر بوده نفری هشتاد تومان مواجب پاتزده روزه می گیرند و مراجعت از شهر ساعت هفت داخل شهر شده يك نفر آژان که مستحفظ بازارچه سرچشمه بوده تیرزده مقتول [شده] و تفنگ پنج تیره آن را می برند.

درباب خالصه

ایضاً از طرف ریاست وزراء به اداره خالصه ایوب خان میر پنجه تلگرافاً امر شد اداره خالصه را تسلیم به رئیس مالیه استرآباد نمایند. ایشان جواب داده اند که من از طرف وزارت جنگ مأموریت دارم، منتظر حکم وزیر جنگ می باشد خالصه را به اداره مالیه واگذار نماید. تاجه اقتضا کند.

درباب مستشار الدوله

درگموش تپه ساکن، روسها صریحاً جواب داده اند سه ماه مهلت می خواهیم و نمی توانیم در کمیسیون حاضر بشویم. معظم الیه سرگردان می باشد.

درباب احضار

وزارت جنگ رئیس قشون استرآباد را احضار به طهران [و] به اتفاق صد نفر قزاق روز بیست و نهم ماه مذکور عزیمت به طهران [نموده]، از راه بندر جز و از دریا به اتزلی ورشت حرکت کرده رفتند. تاجه اقتضا کند.

www.KetabFarsi.com

مخبرات استرآباد

١٩٢٣

١٣ جمادى الاولى ١٣٤١ - ٢٢ جمادى الاولى ١٣٤٢

www.KetabFarsi.com

نمره ۴۵

دهم ماه جنواری ۱۹۲۳

درباب کمیسیون

مستشارالدوله چندی درگموش تپه توقف [داشت]. آخرالامر روسها اظهار داشتند روابط بادولت ایران برهم خورده، برای تعیین حدود حاضر نخواهیم شد. دویم ماه جنواری کمیسیون را کلید با مالها از راه قراسو حمل بندر جز [نموده] و خودشان با اجزاء با «بارکاس» ۲۱۷ بندر جز رفتند که عزیمت به طهران نمایند. تاچداقتضا کنند.

درباب چپاول

ایضاً خبر رسید تراکمه جعفر بائی دونفر مکاری رایک فرسخی مغربی لخت [کرده] و مالهای آنها را بردند.

درباب حکومت

عدم کفایت حکومت نظامی و هرج ۲۱۸ و مرج بودن اطراف شهر رؤسا محرك شده به توسط آقاسید مصطفی رئیس الذاکرین روی منبر حرفهای خشن نسبت به حکومت می زنند. آقای نظامی بعد از شنیدن حرفهای زشت از علمایان دیدن و تملق می کنند که او را بپذیرند. تاچه شود.

درباب غارت

سوارهای اتابائی مستخدم دولت شب پنجم ماه مذکور از شهر خارج [شده]، دو نفر زنگی محله را لخت کرده و چند رأس گاو به سرقت بردند.

۳۱۷- بارکاس به روسی قایق موتوری است.

۳۱۸- اصل: حرج.

درباب قتل

ایضاً خبر رسید تراکمه جعفربائی به قریه شموشک که وصل است به کوه جهان نما رفته یک نفر را مقتول، دو زن بایک بچه را اسیر کرده بردند. تاجه شود.

درباب رسومات

یک ماه متحداً مال ۲۱۹ تلگراف شده بود باندروول عرق را [که] قدغن شده است نگیرند. لکن رئیس مالیات غیر مستقیم محرمانه پوطی یک تومان از ارامنه می گرفت. شب دهم ماه جنواری نماینده برای تفتیش به منزل میرزا داودخان گرجی می فرستند. ایشان امر کرده کتک زیادی به نماینده می زنند. تاجه شود.

نمره ۳

۲۴ جنوری ۱۹۲۳

درباب غارت

دو نفر استرابادی از گموش به قرب یکصد تومان تریاک و نقره آلات داشته جنب دروازه شهر روز دوازدهم جنواری تراکمه جعفربائی آنها را لخت و غارت نمودند.

درباب ورود

ایضاً دو نفر تجار افغان از مشهد چای و پنیر و شکر سفید حمل به استراباد کرده مشغول تجارت می باشند. ضمناً ده قبضه تفنگ ده تیر انگلیسی خریداری می نمایند. از طرف نظمیة آنها را احضار [کرده] والترام گرفتند که دیگر تفنگ نخرند.

درباب چپاول

شب ۱۶ ماه مذکور سوار جعفربائی یک بلوک گوسفند از قریه یساقی چپاول می نمایند.

درباب اسیر

ایضاً هیجدهم ماه جنواری پنجاه تومان وجد به توسط آقاها دی برای تراکمه جعفربائی مرتکب دوزن اسیر فرستاده ندادند. جواب گفته اند تمام مالهای مارا که رعیت کرده محله برده اند مسترد نمایند، اسیرها را خواهیم داد.

درباب تلگراف متحداً مال ۲۱۹

مستشارالدوله امر کفائی (?)، وزیر مالیه ایران با وزیر جنگ پیشنهاد می نمایند

که شما دخالت در امور خالصه نداشته باشید. سالی هشتصد هزار تومان حقوق نقد بگیرند. معظم‌الیه پذیرفته و متحد‌المال ۲۲۰ به‌عموم نظامیان که از طرف خود به ولایات فرستاده بودند اخطار می‌نماید امورات خالصه بکلی واگذار به وزیر مالیه مذکور است. خدایارخان معاون وزیر جنگ امضاء می‌نماید. ایوب‌خان میرپنجه تاکنون خالصه را تسلیم مالیه نکرده است و تلگرافاً کسب تکلیف نموده‌اند. تاچه اقتضا کند.

درباب قشون

ریاست کل قشون شمال را وزیر جنگ از گیلات و مازندران و استرآباد واگذار به محمدحسین‌خان سرتیب نموده‌اند.

درباب قتل

بیست و دویم ماه جنواری يك نفر ترکمان اتابائی از شهر به او به می‌رفت يك فرسخی شمالی قراسورانهای حکومت او را به قتل رسانیده تفنگ او را بردند. تاچه اقتضا کند.

نمره ۴

غره فوریه ۱۹۲۳

درباب روسها

گمرک فوق‌العاده که بالشویکها از حمل پنبه پوطی چهارمناط طلا می‌گرفتند، يك هفته می‌شود گمرک مزبور را به خواهش ملت اغماض کرده اعلان نموده نمی‌گیرند. بعضی از تجار می‌گویند امروزه بر حسب تقاضای... ۲۲۱ پولتیکی است. يك ماه دیگر باز هم گمرک فوق‌العاده را می‌گیرند.

درباب قتل

بیست و ششم ماه جنواری خبر رسید چند نفر پیاده فندرسکی برای اغتشاشات به تحریک ایلخانی زیرحد قریه ترنگ تپه‌آمد يك نفر ترکمان را گرفته با تبر قطعه‌قطعه نموده مال آن را بردند. تاچه شود.

درباب ترقی

در این هفته قیمت پنبه ترقی فوق‌العاده [نموده] هفت پوطونیم را در بندر جز سی‌تومان خریدده‌اند، لکن خریدن پنبه از روسیه وجه قران که ندارند، به توسط

۳۲۵- اصل: متحد‌المال.

۳۲۱- اصل: پوقت (۲) نامفهوم است.

تجارتخانه «سنتارالیوز» (؟) شکر امریک و کاغذ و پاکت، اجناس متفرقه وارد کرده عوض پنبه می‌خرند و حمل می‌نمایند. تاجه اقتضا کند.

درباب خالصه

ایوب‌خان میر پنجه رئیس خالصه استرآباد بیست و هشتم جنواری اداره را واگذار به مرتضی‌خان معاون خالصه کرده [با] هفت نفر قزاق شخصاً عزیمت به طهران نمودند.

درباب شورش اهالی

چند جلسه در منزل وکیل‌التجار و شیخ‌اسمعیل و حاج شیخ حسین منعقد گردیده و تلگرافاتی بر علیه استرآبادی نوشته‌اند که شکایت نمایند. به مساعدت امیر احتشام مسکوت عنه ۲۲۲ گذارده [اند].

درباب امیر مؤید

به موجب اطمینان که از طرف وزارت جنگ برای امیر مؤید رسیده و چهار هزار تومان وجه نقد اداره قشونی تسلیم ایشان کرده، معظم‌الیه بایک پسرش که سهم‌الممالک باشد به طهران بروند سه روز است وار در شهر گردیده به منزل سردار رفیع منزل دارند. هژبرالدوله ۲۲۳ مخالف است به شهر نیامده فرار [کرده] است. ایشان به سوادکوه می‌رود.

درباب قتل

سلخ ماه جنواری سی نفر ترکمان جعفر بانی به قرب یکصد و پنجاه بار گندم از گنبد قابوس حمل به شهر رنموده مراجعت می‌کردند یک فرسخی شمالی یک نفر حاج قلی محمد آبادی را گرفته با تفنگ پنج تیره توی سرش می‌زنند که مغز [ش] داغان [شده] تفنگ را می‌برند. مشارالیه به فاصله سه ساعت فوت شد. تاجه اقتضا کند.

نرخ ماکولات

برنج صدری اعلا چهل و پنج من تبریز ۸ تومان — برنج گرده ۴۵ من تبریز ۶ تومان — روغن تبریزی ۱۸ قران — گندم ۴۵ من تبریزی ۷ تومان — نخود ۱۰۰ من ۲۵ تومان — لوبیا و عدس صدمن ۲۵ تومان — شکر سفید اعلا پوط ۶ تومان — قند پوط ۸ تومان — چای هر پوط ۲۲ تومان — چای سبز پوط ۱۶ تومان — کشمش هفت پوط ۱۴ قران — آلبوخارا پوط ۳ تومان — آهن پوط ۸ تومان — سیم تلگراف پوط ۱۲ قران — سیم خاردار پوط ۵ قران — زغال ۴۵ من تبریز ۸ قران — هیزم خرواری یک تومان —

۳۲۲ — اصل: مسکوت‌الاعنه.

۳۲۳ — اصل: هژبرالدوله.

جوجه عدد يك قران - كنجد باری ۱۲ تومان - مرغ عدد ۲ قران - تخم مرغ ده عدد
يك قران - گوشت من ۶ قران - ماست چارك ششصد دینار - گوشت گاو من ۴ قران
نان لواش من ۷ قران - نان سنگك من ۴ قران

عزت مستدام غره فورید رفت ۱۹۲۳

نمره ۵

۱۵ ماه فرواری ۱۹۲۳

درباب امیر مؤید

چهارم ماه فرواری اسمعیل خان امیر مؤید با دوفتر نوکر عزیمت به طهران نمود،
سهم الممالک پسر کوچک او را به ریاست امنیه استرآباد قرار دادند. سیصد نفر سوار ماهی
یاتزده تومان مواجب دولت می دهند. تاجه اقتضا کنند.

درباب سرقت

از بیحالی و عدم کفایت حکومت اهالی دهات ابداً صاحب اموال و مواشی نمی باشند
و روز از دهات کتول و ملک مال به سرقت می برند. این همه رعایا ناله وزاری می نمایند.
کسی نیست که احقاق حق بنمایند.

درباب نظمیة

حاج شیخ حسین و کیل استرآباد مدت و کالت [او] سرآمده در شهر با مردم طرفیت
ومغرضانه رفتار می نماید. و کیل التجار محرك است. درباب انتخابات و کیل استرآبان
اهالی تعرفه را به عنوان و کیل التجار بدهند. در ضمن ۲۲۴ حکومت را محرك شده سعید
السلطان رئیس نظمیة را معزول [و] حبیب الله خان پسر عموی خود را به ریاست نظمیة
منصوب ۲۲۵ نمودند.

دربا بقتل

ترکمانهای اتابائی شب دوازدهم ماه فرواری توی شهر آمده خانه را شکافته مشغول
جمع آوری اسباب بودند. هفت نفر آژان می رسند. ترکمانها سه تیر [به] يك نفر آژان
زده [اورا] مقتول [ساخته] بقیه به واسطه نداشتن فشنگ فرار می نمایند.

نمره ۶

۲۲ فروری ۱۹۲۳

درباب ترکمانها

هفدهم ماه فروری خبر رسید يك نفر زن از طایفه اتابائی که در اترك شوهر داشت به عنوان دیدن بستگان خود به اتابائی آمده زمان مراجعت تراکمه جعفر بائی چند سوار دوفرسخی زیر حد رود گرگان بسخو داشته مشارالیه را بایک بچه دوماهه و اجناس را بردند. بعد از سه شب قضات جعفر بائی مخبر شده ضعیفه مذکور را امر نموده رها نمودند. مال و اسبابهای او را ندادند. طایفه اتابائی هم در مقام تقاص برآمده مشغول زدو خورد شده اند. روز هیجدهم سه عرابه مال التجاره ولایتی را تراکمه جعفر بائی حمل می نمودند. ترکمانهای اتابائی سه عرابه را باسدنفر عرابه چی اسیر کرده بردند. تاجچه اقتضا کند.

درباب ورود

قونسول بالشویکی که سابقاً خود را منشویک می خواند معزول شده با خانمش به روسیه عودت کردند. عوض يك نفر دیگر که بالشویک است وارد شده فقط دونفر اجزاء و يك نفر باغبان در قونسلخانه اضافه دارند.

درباب شرارت

يك نفر قزاق به واسطه شرارت و ضدیتی که داشته صاحب منصب فوق او را يك سیلی می زند. چون مشارالیه از آن الواطها [ی] طهران بوده خود را تیر می کند. گلوله استخوان بازوی چپ را خرد کرده، دکتر اداره قشونی دست قزاق را از کتف می برد و مشغول معالجه می باشد.

درباب نزاع

سه دانگ و نیم قریه میان دره درسه فرسخی مغربی که سالی یکصد خروار متجاوز محصول آن می باشد پنج شش سال است ابوتراب خان ساکن بارفروش معروف به طایفه حلال خوری ۲۲۶ ملک را به سادات منیدی اجاره داده بودند. آقا رمضان وکیل التجار نوشته بر علیه متولی، [بطور] جعلی در دست گرفته در این مدت آنچه سادات و متولی ملک مزبور عارض و شکایت کردند نتیجه به دست نیامد. چندی قبل که اسمعیل خان امیر مؤید وارد به نفس سردار ترکمان می شود ابوتراب خان از شهر خدمت امیر مؤید رفته عرض حال می دهد. معزی الیه ملک میان دره را به نفس سردار سالی پانصد تومان اجاره می دهد و حالیه نفس سردار جداً با وکیل التجار طرفیت نموده و مطالبه مال الاجاره

و محصول می‌خواهد. تاچه اقتضا کند.

در باب معزولی

رئیس تلگراف که چندی قبل از حکومت تغییری شنیده بود و ضمناً از دو نفر تلگرافچی جزء وجه تقدیمی ۲۲۷ می‌خواهد و یک نفر محمد ابراهیم نام را به اسم آنکه راپرت به حکومت می‌رساند خارج می‌نماید، مطالب را به وزارت تلگراف به توسط بنیر همایون رئیس سابق عرض حال می‌دهد. وزارت ۲۴ فرواری رئیس استرآباد را احضار به طهران می‌نمایند. تاچه اقتضا کند.

نمره ۷۵

۴ ماه مرج ۱۹۲۳

در باب شکایت

بعضی از امورات مهمه در اکده اهالی رجوع به حکومت می‌نمایند بدیع السلطان رئیس عدلیه استرآباد به وزارت عدلیه شکایت کرده است. تلگرافاً امر به حکومت شده است در امورات حقوقی دخالت نکند. در ضمن حکومت، حاج شیخ حسین و کیل را محرک است بر علیه رفتار نمایند. معامله تراعی که نهایت دو دانگ قریه اوزینه مابین شیخ محمد باقر فاضل و شیخ حمزه واقع شده است به خط و مهر حاج شیخ حسین و کیل است. از طرف شیخ حمزه ۲۲۸ صلح به شیخ محمد باقر فاضل نموده است. و کیل رسمی مجلس ناسخ حکم خود را به شیخ حمزه داده است بدلیجاست شیخ محمد باقر فاضل. مشارالیه رجوع به عدلیه کرده چند جلسه منعقد و شیخ حمزه را محکوم نموده و حال آقا شیخ حسین و کیل به معیت جمعی از علماء و اجزاء عدایه خصومت ورزیده [است که] چرا حکم بر حقانیت فاضل داده‌اید. استرآبادیها دو فرقه شده‌اند: یک فرقه با حاج شیخ حسین عقیده و اتحاد دارند و چند نفر مساعدت با شیخ محمد باقر فاضل دارند. شب و روز انجمنها برقرار [است] و طرفین مشغول شکایت و دفاع می‌باشند.

در باب تبعید

چند نفر زن فاحشه در استرآباد بوده، به واسطه شرارت قزاقها علمای بلد شکایت به حکومت کرده. تاچه شود. از طرف حکومت امر شده است پنج زن فاحشه را تبعید نمایند.

درباب نظمیہ

به عرض رفته بود سعیدالسلطان ۳۲۹ را حکومت معزول [و] حبیب‌الله خان پسر عموی حاج شیخ حسین را به ریاست نظمیہ منصوب نموده‌اند. ساعدالسلطان ۳۳۰ [از] اجزاء امیراعظم به ریاست نظمیہ استرآباد وارد شاهرود می‌شود.

نمبر ۸۵

۱۳ ماه مرج ۱۹۲۳

درباب قتل

یک نفر سوداگری از قریه حاج‌لر فندرسک مراجعت به شهر نموده بود در جنگل رامیان دو نفر ترکمان بسخو داشته او را به قتل رسانیده، مال و اجناس [اورا] که یکصد تومان بوده بردند.

درباب قتل

تراکمه اتابائی برای قتل یک نفر ترکمان چوپان آقا علی خان سرخونکلاته [ای] رانقاص کرده به قتل رسانیدند.

درباب سرقت

هشتم ماه مرج دورأس یابوی یورقه مال حاج محمد رضا تاجر در جنگل بود، سرقت می‌نمایند.

درباب نزاع

مهدی‌شاه ایلخانی حکومت حاج‌لر را واگذار به پسر کوچک خود ولی‌الله خان می‌نماید. معزی‌الیه برای مجازات دو نفر سارق از رامیان رفته، اهالی [حاج‌لر] جلوگیری نموده نزاعی اتفاق می‌افتد، دو نفر سوار ولی‌الله خان را مجروح نموده برگشتند. معلوم شد محرك علی‌اکبرخان امیرعشایر بوده.

درباب شورش فندرسک

دهم ماه مرج خبر رسید اهالی فندرسک و کوهسار و رامیان بر علیه ایلخانی اقدام کرده، ورقه عریضه به امهار عموم رعایا و سادات و غیره ایلخانی برای حکومت استرآباد

۳۲۹- اصل: سعیدسلطان.

۳۳۰- اصل: ساعد سلطان.

تظام زیادى از عدم كفايت اياخانى و كشيدين شيره و تريك و هرج ۲۲۱ و مرج بودن بلوك فندرسك نموده بودند حكومت سيفالذخان مستخدم را براى رسيدگى مأمور فندرسك نموده رفتند. تاچه اقتضا كند.

درباب چپاول

۱۲ ماه مرج بيست سوار جعفر بائى دوفرسخى مغربى چهار رأس مال مكارى را به انضمام باز پنبه چپاول كرده بردند.

نمره ۹

۲۸ ماه مرج ۱۹۲۳

درباب قتل

پانزدهم ماه مرج خبر رسيد عده [اى] از سوار جعفر بائى زير حد قريه الوار سه فرسخى مغربى بسخو نموده بودند، دوفر برابى صيد ماهى حركت كرده رفتند. مصادف با تركمانها هيچده تير بر آن رعيت وارد شد و مقتول شد.

درباب سرقت

ايضاً خبر رسيد بين رعاياى قلندر محله با تراكمه اتابائى كه ساخلو بودند اتفاقى رخى دهد. شب ۱۸ ماه مرج تركمانها به قريد مذكور مى زوند. چهل رأس گاو رعايارا چپاول كرده بردند. تاچه شود.

درباب سرقت

ايضاً خبر رسيد تراكمه جعفر بائى يك رأس مال از يساقى سرقت كرده اند. پانزده گاو از نود و پنج چپاول كرده اند. سهم الممالك پسر امير مؤيد كه رئيس قرا سورانهاى خط بندر جز مى باشد آدمى نزد نفس سردار فرستاده مال و گاوها را مشارالیه مسترد نمودند.

درباب سوار تركمان

به امر رئيس قشون خط شمال تاكنون سيصد و پنجاه نفر سوار از طايفه يموت كه جعفر بائى و اتابائى و ايلغى و داز باشند گرفته شده است و حقوق آنها را هم تاكنون مرتب رسانيده اند. بيست و سيم ماه مرج صد نفر سوار تركمان براى استقبال رئيس قشون بندر جز مى زوند. سه شب توقف كرده به اتفاق روز بيست و هفتم ماه مذكور وارد شهر شدند.

دربا بسرقت

ایضاً شب بیست و ششم دزد طایفه اتابائی شش رأس گاو ازقریه جعفرآباد به سرقت بردند.

درباب اصلاح

حسب الامر حکومت سیف‌الله‌خان پیشخدمت با ستارخان سلطان اداره قشونی و بیست نفر قزاق برای اصلاح بین‌اهالی فن‌درسک و ایلخانی رفته کارها را به اصلاح گذرانیده هزار تومان به رسم پیشکش برای حکومت فرستاده یک رأس اسب برای سهم الممالک، یک رأس اسب و دو بیست تومان وجد به ستارخان، یک رأس اسب به سیف‌الله‌خان مبدول می‌نمایند.

درباب انتشارات

از طرف قونسول بالشویکی منتشر است دولت فخمیه انگلیس در بین‌النهرین ۲۲۲ جنگ‌سخت با اعراب دارند و کربلائی معلی را بمبارده کرده‌اند. تاجه اقتضا کند.

ایضاً در باب انتشارات

حاج شیخ حسین وکیل استرآباد که خود را آلمانی پرست می‌داند و بر علیه دولت فخمیه انگلیس انتشارات [می‌دهد] و علناً تکذیب اخلاق دولت فخمیه را می‌نماید [چند] نکته ۲۲۲ اظهار داشته است: دولت سویت روسیه با آلمان و اطیش متحد شده باد دولت فخمیه مشغول جنگ می‌باشند. دولت بالشویکی هم از تراکمه خقوق مشغول گرفتن قشون نظامی. الیوم که هفتم عید است هوا منقلب و اتعالا برف می‌بارد.

نمره ۱۵۵

۱۴ ماه اپریل ۱۹۲۳

درباب چپاول

بیست و نهم ماه مرچ تراکمه جعفربائی به ضدیت رئیس قشون که وارد استرآباد شده است برای امتحان چهل و پنج رأس گاو ازقریه النک چهار فرسخی مغربی چپاول کرده بردند.

درباب چپاول

ایضاً تراکمه جعفربائی زیرحد قریه ایلوار بسخو داشته یک نفر سیدی را به قتل

رسانیده. بیست رأس گاو میش چپاول کرده بردند.

درباب خبر

غره ماه اپریل خبر رسید اهالی رامیان و حاج لر با مهدی شاه ایلخانی جنگ سختی می نمایند. چند اسب از طرف مهدی شاه تیر گرفته ولی الله خان پسر مشارالیه که حاکم رامیان بوده مجروح [شده] و خطرناک نیست.

عقیده رئیس قشون

چندی است به قرب هزار نفر قشون دولت در استرآباد در عمارت دیوانخانه منزل و راحت باش دارند شاید هژبر نظام ۲۲۲ پسر امیر مؤید را به جنگ بیاورند. سهم الممالک پسر بزرگ امیر مؤید در شهر توقف [کرده] و رئیس سوارانیه می باشد. لکن هژبر نظام در صورتیکه خود اقرار به قتل یکصد و هشتاد نفر قزاق می نماید، ابدأ حاضر نمی شون خود را گرفتار و منتحن ۲۲۵ (؟) نماید. در همان اوبه نفس در جعفر بائی شب و روز با اسلحه می خوابد. اداره قشونی چون سیمد نفر متجاوز سوار از اتابائی و ایلغی و داز گرفته و خیالات اسلحه آنها را داشته، اگر مقاصد را درك نموده هیچوقت تمام سیمد نفر حاضر نمی شوند، لهذا طایفه جعفر بائی خصومت ورزیده چرا اداره قشونی این عده سوار را از جعفر بائی نگرفته است. به این جهت یاغی [اند] و تاخت و تاز می نمایند. تاچه اقتضا کند.

درباب فندرسك

حکومت استرآباد از بابت ازدحام اهالی فندرسك متوحش است. چون ایلخانی پول و اسب تقدیم حکومت نموده، معظم الیه [به] مساعدت با ایلخانی امر کرده آقامیرزا مهدی مجتهد را با سردار اشرف و آقا علی خان و کیل التجار و آقامیرزاهادی بروند در فندرسك بین رعیت را و رؤسای فندرسك و رامیان را اصلاح نمایند. تاچه اقتضا کند.

نمره ۱۱۵

۱۱ اپریل ۱۹۲۳

درباب روسها

قونسول بالشویکی چند روز است يك نفر از رؤسای تراکمه چاروای جعفر بائی [را که] در حسینقلی ساکن است احضار می نماید. يك شب در قونسلخانه توقف [می کند] و هزار تومان طلای مسكوك به مشارالیه داده و ضمناً اوراقی که مرام بالشویکی است با

۳۳۴- اصل: هژبر نظام.

۳۳۵- اصل: ممنهن.

دستور به او می‌دهد که در صحرای یموت گردش کرده پیران وریش سفیدان یموت را هر يك را به مقداری وجهی فریفته کرده، من جمله از طایفه اتابائی دوازده نفر از آن وجه گرفته مرام بالشویکی را امضاء کرده‌اند. تاچه اقتضا کند.

در باب خیالات

مطالب مهمی را که در این مدت توقف اداره قشونی در استرآباد با دادن پول گزاف دولت مدنظر داشته برعکس و بکلی بی نتیجه شده است. برای مجازات تراکمه و نگاهداری سرحدی رئیس قشون شمال با حکومت مشورت و تصویب کرده بودند که ششصد نفر سوار از طایفه یموت گرفته شود به مرور ایام و مشق نظامی همه را در شهر حاضر کرده يك شب تمام آنها را دستگیر و خلع اسلحه نمایند. لهذا با اجازه وزیر جنگ به قرب سیصد و پنجاه نفر سوار که از اتابائی و ایلعی و داز گرفته بودند منتظر جعفربائی بودند. ایشان مطالب را درك کرده حاضر نشدند و عده سوار اتابائی هم در این چند روزه اکثر به صحرا رفته استعفا داده بودند. لکن طایفه جعفربائی که مراجعت می‌نمایند پیغام برای حکومت و قشونی داده‌اند، تاکنون هفده هزار تومان حقوق سوار جعفربائی نرسیده است، اگر دولت میل دارد که ما شرارت نکنیم حقوق عقب افتاده ماها را بدهند. در شهر هم حاضر نخواهیم شد. فقط برای محافظت دریا حاضریم. تاچه اقتضا کند.

در باب نزاع

ایضاً برای حکومت خبر آوردند رعیت رامیانی و فندرسکی به اتفاق پانصد نفر ترکمان بدریاست برادرزاده ایلخانی امیر عشایر و آقامیر مهدی شاه در حاج لر مشغول جنگ [شده]، محاصره کرده، ولی الله خان پسر ایلخانی تیر برداشته از طرف ترکمانها صد نفر مقتول، ده پانزده اسب سقط شده، کار خیلی سخت شده. حسب الامر حکومت آقامیرزا مهدی مجتهد با آقاهادی و کیل التجار و سردار اشرف روز هشتم ماه اپریل برای اصلاح فیما بین ایلخانی و امیر عشایر رفته‌اند. تاچه اقتضا کند.

نمره ۱۲۵

۱۸ ماه اپریل ۱۹۲۳

در باب چپاول

هفت نفر ترکمان جعفربائی سه فرسخی مغربی بسخو داشته دونفر تاجر استرآبادی به انضمام چهار بارشکر از بندر جز مراجعت می‌نمودند [با] تراکمه مصادف شده دونفر را لخت [کرده] ده تومان وجه نقد، مال و بارهای شکر را به غارت بردند.

درباب جشن

برحسب معمولی تهیه جشن اعلیحضرت احمدشاه از طرف حکومت استرآباد به طور اختصار، روز اول ماه مذکور رؤسای ادارات را رسماً برای جشن خبر کرده. عده [ای] از ادارات با قونسول بالشویکی و خانمش رادر عمارت آقامحمدخانی دعوت [کرده] و اداره قشونی دفیله داده، در [این] موقع باران شدیدی آمد. در ضمن برای خالی کردن توپ توپچی عجله کرده توپ گرم شده آتش گرفته توپچی را پاره کرده، نعش او را به احترام بیرون شهر برده دفن نمودند.

درباب قتل

۱۶ ماه مذکور خبر رسید دونفر ترکمان ایلغی را جنب قریه ترنگ تپه زده اند يك نفر مقتول و دیگری مجروح است. تاچه اقتضا کند.

درباب ایلخانی

بدعرض رفتند بود که عده [ای] برای اصلاح ایلخانی و برادرزاده اش رفته شب در کتول توقف کرده فرستادند طرفین را از حاج لر احضار کرده آمدند. چون اداره قشونی به تحریک حاج شیخ حسین وکیل بر علیه حکومت رفتار [می نمایند] يك عده نظامی به کمک علی اکبر خان امیر عشایر فرستادند لهذا صلح معوق [مانند] نتوانستند اصلاح بنمایند. تا چه اقتضا شود.

نمره ۱۳۵

۲۵ اپریل ۱۹۲۳

درباب تعرفه

چهارده هزار تعرفه برای انتخابات و کلای استرآباد ویموت به توسط کابینه حکومت وارد [شده] برای تعیین نظار اهالی شهر مذاکراتی نمودند. بعضی طرفدار حاج شیخ حسین و برخی طرفدار وکیل التجار [اند]. ر معابر چند اعلان چسبانیده از تاریخ دویم ماه می در مسجد جامع تعرفه تقسیم می نمایند. طرفداران مشغول اتتریک و فرقه بازی شده اند. تا چه اقتضا کند.

درباب قتل

بدعرض رفتند جنب قریه ترنگ تپه دونفر ترکمان ایلغی را تیر کرده اند. يك نفر از تراکمه مقتول شده است. طایفه ایلغی به تحریک آقا علی خان مقصودلوی می آیند شب بیستم ماه اپریل بد قریه سرخونکلاته دوفرسخی مشرقی می روند. يك نفر سیدی را به قتل

رسانیده رفتند.

درباب فرار حبسی‌ها

سه نفر دزد که متهم به سرقت وجه پست بودند يك سال در نظمیة بوده شب بیست و دویم ماه مذکور هر سه نفر از حبس نظمیة فرار کرده به طایفه دویچی پناهنده شده‌اند. تا چه اقتضا کند.

درباب فندرسك

مهدی شاه ایلیخانی هزار تومان وجه، يك رأس اسب برای حکومت تقدیم کرده، حکم برابقای حکومت مشارالیه بدهند. مجدداً هزار تومان بادواسب به اغوای حاج شیخ حسین برای حکومت ورئیس قشون فرستاده حکمی به عنوان مشارالیه نوشته و يك عده نظامی هم قرار شد به كمك امیر عشایر بفرستند. ایلیخانی مطالب رامستحضر گردیده يك پسرش را به طایفه قجق فرستاده مشغول جمع کردن سوار [شده] و شخصاً با چهار صد سوار از میان حرکت به فندرسك آمده يك قریه شخصی امیر عشایر را آتش داده و حاضر شده است هر آینه نظامی بفرستند جنگ نماید. حکومت ورئیس متوحش شده از فرستادن نظامیها صرف نظر کرده است. تا چه اقتضا کند.

درباب روسها

روزنامه‌های روس گاهی اظهار برای قرارداد روسیه و ایران می‌نمایند. سویت روسید می‌گوید فرستادن دولت ایران نظامی در سرحدات بحر خزر ۲۲۶ توی فوق ۲۲۷ می‌زند. چون عقیده روسها کلیة اتحاد نقض قرار با دولت فخیمة را تصور نمودند اینك ملاحظه نموده‌اند که برای روسها بیشتر جمع نخواهند شد.

نمره ۱۴۵

۹ ماه می ۱۹۲۳

درباب کار گزار

مدت يك سال است اعتصام الممالک کار گزار استرآباد به سبب کثرت سن، ضعف چشم لها در این فصل به عنوان تفریح و علاج چشم چند روزی را بندر جزر رفته‌اند و ضمناً خبر اخذ حقوق از دولت کاری هم ندارند.

۳۳۶ - اصل: بهرحذر.

۳۳۷ - اصل: زهقی.

درباب معزولی

آقابزرگ خان حکومت بندر جز که اهل نوکنده است به ملاحظه نظریات دولت که حکومت محلی را ممنوع نموده معزول [شده]، عوض ایشان سعیدالسلطان و رئیس نظمیہ سابق را تصویب نموده فرستادند.

درباب چپاول

سلخ ماه اپریل خبر رسید چهل و پنج نفر سوار پیاده از گموش تپه و اطراف می روند به سمت بلخان ۳۳۸ [که] بیست فرسخ فاصله تا استرآباد است. هفتصد رأس گوسفند، سه نفر چوپان، سی نفر شتر چپاول کرده از طایفه قرقچی آوردند. به اجازه قضات بین خود تقسیم نمودند. تاجه اقتضا کند.

درباب اسیر

ایضاً سوارهای قرقچی که مستخدم اداره قشونی شده اند دو ماه حقوق به آنها نرسیده شرارت می نمایند. دویم ماه می دو نفر رعیت از قریه فیض آباد یک فرسخی مشرقی به انضمام دورأس گاو گرفته بردند. بعد از پنج یوم بیست تومان وجه داده اسیرها را رها نمودند.

درباب قتل

مشهدی محمود که یکی از اعیان شهر در قریه سنگ دوین شش فرسخی شرقی تجارت داشته به تحریک امیرامجد، تراکمه طایفه داز شبانه در قریه مذکور مشارالید را به قتل رسانیده روز سیم ماه مذکور نعش او را به شهر آوردند ۳۳۹.

درباب احزاب

سه ماه است در استرآباد چند فرقه مشغول کاندید و کیل برای مجلس می باشند: فرقه [ای] به عنوان حاج شیخ حسین، فرقه [ای] به عنوان معتضداالاسلام، فرقه [ای] به اسم وکیل التجار، فرقه [ای] به اسم دکتر عباسی و فرقه [ای] به اسم امیرامجد. لکن در باب نظار حکومت به تصویب حاج شیخ حسین هفت نفر کسان او را معین کرده به مسجد جامع فرستاده. دو روزهم معادل سیصد تعرفه دادند. اهالی شهر شورش کرده. شب پنجم ماه هم به قرب پانصد نفر به دیوانخانه رفته از حکومت ایراد قانونی کرده [اند]. قرار شد دو نفرهم از طرف عمومی باشند. از تاریخ عصر یازدهم ماه می به مسجد رفته تعرفه بدهند. لکن ضدیت اهالی و دو فرقه بودن دسته حاج شیخ حسین با وکیل التجار و آقامیرزا مهدی علناً به جدیت رسیده است. از قرار مذکور عده ای بر علیه حاج شیخ حسین تلگرافی به طهران نموده اند که ملت ابدآماییل به وکالت حاج شیخ حسین نمی باشند. هر آینه رأی به عنوان

۳۳۸ - کذا، شاید قره بلخان.

۳۳۹ - اصل: آورده.

بدهند تماماً دزدی و تعرفه به مساعدت حکومت است. تاچه اقتضا کند.

نمره ۱۵۵

۱۹ می ۱۹۲۳

درباب چپاول

دهم ماه می خبر رسید شانزده نفر ترکمان جعفربائی پیاده به چمن جهان نامی روند. یک دسته مکاری که دارای هیجده رأس قاطر و یک زن و بچه و برادرش و مادر احمد خان نایب قزاق [که] مأمور بندر جز است دستگیر کرده با قاطرها یک شب در جنگل کرد محله نگاه داشته. گالش بانهای ولایتی خبردار شده، مادر احمدخان را باشوهرش و یک بچه را از تراکمه گرفته قاطرهارا بابرادر ضعیفه و یکصد و پنجاه تومان پول رابردند.

درباب حج رفتن

روز بیست و چهارم صیام مطابق ۱۱ ماه می ده نفر از اهالی استرآباد به عنوان زیارت بیت الله حرکت کرده از راه بغداد عازمند.

درباب قتل

ایضاً یک نفر طبیب متفرقه چندی در خاک کنتول مشغول عملیات حکمت بود، برای معالجه مریض به قریه علی آباد می رفت تراکمه داز او را به قتل رسانیده مال و اجناس او را به غارت بردند.

درباب چپاول

۱۳ ماه می خبر رسید رعایای قریه النگ در عوض گامیش و گاوهای خودشان سی رأس گاو میش ترکمانهای جعفربائی [را] تقاص کرده آوردند. تراکمه جعفربائی به حکومت تظلم نموده، حسب الامر نایب الحکومه کرد محله گاو میشها را از رعایای النگی گرفته مسترد نمودند. تاچه اقتضا کند.

درباب امیر مؤید

۱۴ ماه می معظم الیه به هژبر نظام ۲۴۰ پسر خود تلگراف می نماید: بر حسب امر وزارت جلیله جنگ شما از او به نفس سردار به شهر آمده داخل قشوی [شده] و شمارا بدست درجه

سلطانی منصوب ۲۴۱ خواهند نمود. مشارالیه اطاعت کرده فوراً باعده سوارهای خود وارد به شهر [شده] اداره قشونی او را محترماً به اداره وارد نمودند. تاجه اقتضا کند.

درباب چپاول

هفدهم ماه مذکور خبر رسید سوار تراکمه داز هفتصد رأس گوسفند را از قریه پیچاک محله ۲۴۲ شش فرسخی مشرقی چپاول کرده بردند. رعایا به توسط رئیس خالصه به حکومت شکایت می نمایند. جواب می دهند چون اهالی کتول با تراکمه خصوصیت دارند ممکن است دوستانه پولی داده گوسفندها را بگیرند.

درباب قونسول

شب ۱۸ ماه می قونسول حکومت و جمعی از رؤسای دوایر [را] دعوت می نماید و ضمناً مذاکراتی می نمایند. در مسکو تعصیه ۲۴۳ بانک تجارت برقرار، به موجب قرارداد دولتی ایران و روسیه تجارت از آداب اعلان (؟) اشخاصی که برای تجارت می روند هر قدر پول دارند در استرآباد به تجارتخانه داده برات به اسم تجارتخانه مسکو گرفته می روند. رئیس مالیه جواب می دهد در صورتیکه دولت روس حمل و نقل مناططارا قدغن کرده، حتی کف کفشهای مردم را رسیدگی کرده، اموال مردم را ضبط ۲۴۴ و ایرانیان را حبس می نمایند چگونه تجار پول رواج مملکت خود را به شعبه تجارتخانه داده و مسکو در عوض کاغذ گریوان يك قران را بگیرند. اعتنائی به حرف قونسول نکرده اند مجلس برهم خورد.

نمره ۱۶۵

۲۶ می ۱۹۲۳

درباب فندرسک

چندی است رئیس قشون به معیت حاج شیخ حسین و آقا علی خان مقصودلوی، رعیت فندرسک را محرك [شده] و بلوا کرده اند که برای بی کفایتی مهدی شاه ایلیخانی او را نمی خواهیم. علی اکبرخان برادرزاده اش را بر علیه مشارالیه به حکومت تصویب و حکمی هم نوشته يك طاقه شال هم به توسط بیست نفر قزاق و يك صاحب منصب برای مساعدت علی اکبرخان می فرستند. مهدی شاه يك عده سوارترکمان طایفه قجق را سر راه فرستاده

۳۴۱ - اصل: منصور.

۳۴۲ - (= پیچاک محله).

۳۴۳ - یعنی تسویه امور.

۳۴۴ - اصل: ظبت.

چهار نفر قزاق با حکم مزبور را گرفته به رامیان می‌برند. حکم را پاره کرده قزاقها را حبس می‌نمایند. اداره قشونی به‌شاهرود خبر داده از آدمهای ایلخانی گرو نمایند. عزیزالله بیک رامیانی را در شاهرود دستگیر کرده به‌استرآباد فرستادند. در ضمن تهیه اردوئی گرفته دو یست قزاق با دو عرابه «میترا یوز» به‌فندرسک می‌فرستد. ایلخانی مستحضر شد؛ هزار نفر سوار ترکمان تهیه کرده خبر به‌شهر دادند عجالتاً رفتن اردو متوقف شده، لکن شب‌وروز برای خرابی فندرسک مشغولند. تاچه اقتضا کند.

درباب اسیر

بیست و دویم ماه می تراکمه قرقچی سه نفر آدم باسه رأس مال 'ز یک فرسخی شمالی گرفته بردند.

درباب نظار

اهالی شهر از تجار و کسبه برای تعیین نظار که از طرف حکومت شده بود بدو ا به‌طهران شاکی شده جواب رسیده حکومت باید بانظریات اهالی رفتار کند. عجالتاً نظار دادن تعرفه را موقوف کرده‌اند. تاچه اقتضا کند.

درباب ماموریت

خبر حضور رئیس تلگرافخانه معزول عوض ایشان بشیر حضور به‌ریاست تلگرافخانه وارد شده‌اند.

درباب روسها

مینسکی قونسول بالشویکی هفته قبل برای تبلیغ تراکمه به‌گموش‌تپه رفته بودند. تخمیناً دو هزار و پانصد تومان هم به‌رؤسای یموت به‌رسم انعام داده. روز بیست و نهم ماه می مراجعت نمودند.

نمره ۱۷۵

۶ ماه جون ۱۹۲۴

درباب روسها

به‌عرض رفته بود قونسول روس تراکمه رامحرک است، یک نفر تاجر گموش‌تپه در شهر آمده اظهار داشت که قونسول روس در گموش‌تپه رؤسای تراکمه را احضار [کرده] هر یک را مقداری وجه پنج مناطی طلا داده که ترکمان یموت را برای خود امیری و سلطانی برقرار نمایند و دولت روسیه هم کمک خواهد نمود. به‌همین جهت

تراکمه خودسرانه تاخت و تاز [نموده] و ابدأ اعتنائی به حکومت ندارند.

درباب فندرسک

چندی است برای خرابی فندرسک به تحریک حاج شیخ حسین کوشش دارند و تلگرافاً از وزارت جنگ اجازه خواسته‌اند. مقدمه ایلخانی و امیر عشایر با حکومت مذاکره اصلاح می‌نمایند. بعد از طرف وزیر جنگ دستور برای رئیس قشون [رسیده که] دو بیست و پنج نفر پیاده [برای] سرکوبی ایلخانی به فندرسک فرستاده [شود]. علی اکبر خان امیر عشایر متعهد شده است روز [ی] یکصد تومان مخارج اردو [را] بدهد. هزار و پانصد تومان هم برای رئیس قشون فرستاده که به مساعدت نظامیان مهدی شاه ایلخانی را دستگیر نمایند. مشارالیه هم متجاوز از پانصد نفر ایلجار رامیانی مسلح در اطراف خود دارد. تاجه شود.

درباب قنل

سلخ ماه می خبر رسید تراکمه ایلغی یک نفر رعیت سرخونکلائی را عوض خونی خود تقاص کرده به قتل رسانیدند.

درباب چپاول

غره ماه جون تراکمه اتابائی، سوار دولتی حصار شهر [و] دو رأس مال فوج را چپاول کرده بردند.

درباب نزاع

بین محله میدان و درب نو برای و طیدن ۲۲۵ یک نفر بچه حاجی که اول محله میدان مرتکب شده بودند، بعد محله درب نو پسر حاجی مهدی را گرفته عمل شنیع نمودند. حکومت بیست نفر از دو طرف را گرفته حبس و به عدلیه فرستادند. مشغول محاکمه می‌باشند.

درباب تگرگ

چهارم ماه مذکور مقارن ظهر هوا منقلب [شد]. به فاصله یک ربع ساعت تگرگ به قدر یک تخم مرغ مطابق گردو آمده، تعاقب باران شدیدی نیم ساعت باریده که از کوچه‌های شهر سیل روان شده.

درباب ورود

شش ماه قبل تجارت تراکمه گموش تپه چهل پنجاه نفر زنهای بی صاحب روسیه را آورده خرید و فروش می‌کردند. قونسول بالشویکی با حکومت در این باب مذاکره کرده که زنهای روس را گرفته عودت دهند یا واگذار نمایند. بیست و چهارم ساعت شخصاً باقوه

روس زنها را می گیریم. قزاق روس وارد به قونساخانه گردیده و منتشر است که به عنوان گرفتن زنها وارد شده است ۲۴۶. تاچه اقتضا کند.

نمره ۱۸۵

۲۵ جون ۱۹۲۳

درباب فندرسك

عده [ای] نظامیان به ریاست سلطان محمدعلی خان در فندرسك توقف [داشته] هزار و دوویست تومان وجه مالیات از کوهسار برای نظامیان می آوردند. گماشتگان ایلخانی وجه را چپاول کرده رفتند. به فاصله دوروز ایلخانی صلاح ندانسته جنگ نماید، به اتفاق دوپسرش رامیان [را] تخلیه [کرده] به گنبد قابوس می رود. نظامیان که دانستند ایلخانی رفته است حرکت به سمت رامیان نموده قریب چهارپنج هزار تومان ائاثیه ایلخانی را چپاول [کردند]. از طرف رئیس قشون حکمی برای سلطان محمدعلی خان فرستاده شد که شما موقتاً حکومت نظامی فندرسك باشید. علی اکبرخان امیر عشایر باید به دستورات شما رفتار نماید. تاچه اقتضا کند.

درباب ترکمانها

عده سوارهای یموتی که در این مدت مستخدم و ماهی هشت هزار و پانصد تومان حقوق از دولت می گرفتند به عنوان جمع نمودن غلات و زراعت خود به صحرا رفته تماماً یاغی شده اند. همه روزه مال و آدم گرو می نمایند و می گویند موجب دو ماهه طلبکاریم. تاچه اقتضا کند.

درباب قتل

یازدهم ماه جون محمدحسین نام ملازم سردار رفیع از هزار جریب عازم شهر بوده که اشیاء متفرقه خرید نماید. چند نفر ترکمان جعفربائی در گدوك جهان نما بسخود داشته اورا گرفته يك قبضه تفنگ براونيك، پنجاه شصت تومان وجه با کمی نقره و يك رأس اسب را گرفته و اوراهم به قتل رسانیده رفتند.

درباب چپاول

روز چهاردهم ماه مذکور يك غده سوار و پیاده جعفربائی به عنوان اخذ حقوق از حکومت شش رأس مال را از نیم فرسخی شمالی چپاول کرده اند.

درباب ورود

میرزا محمدعلی خان که سابق درگمرک مستخدم بوده حال به ریاست مالیه استرآباد وارد [می شود]. میرزاسید عبدالله خان معروف بانکی معزول و مشغول تصفیه حساب می باشند.

درباب بلدیہ

حسبالامر ایالت شاترده نفر از اهالی بلدرا انتخاب کرده به ریاست آقامیرزاهادی تأسیس بلدیہ نموده اند. تاجه اقتضا کند.

ایضاً درباب مفتش

میرزا محمدعلی خان آجودان ۲۲۷ وزیر جنگ برای تفتیش عملیات روسها در صحرا از راه رشت وارد بندر جز گردیده از آنجا به گموش تپه [رفته] یک شب توقف دارد. در شهر مهمان حکومت بوده از راه بندر جز مراجعت نمودند.

نمره ۱۹۵

۴ ماه جولای ۱۹۲۳

درباب توقیف

وزارت مالیه تلگراف به اداره مالیه استرآباد می نماید بر حسب قرارداد مجلس کلیه املاک سپهسالار اعظم در عوض مالیات عقب افتاده باید توقیف باشد. لذا در استرآباد آنچه املاک معظم الیه می باشد ضبط [می] نمایند. سدانگ قریه امیرآباد را که خریداری سپهسالار است و در نیم فرسخی شمالی واقع [است] و سالی یکصد و پنجاه تومان عایدی دارد توقیف نموده اند.

درباب معزولی

محمدحسین خان رئیس قشون را وزیر جنگ احضار نموده روز بیست و پنجم ماه جون از راه شاهرود حرکت نمودند.

درباب نزاع

بیست و ششم ماه مذکور خیر رسید سی و پنج سوار ترکمان جعفربائی در سنگر سواد بسخو داشته، هشت عرابه که تقریباً از جنس و روغن و پول شش هزار تومان دارائی

داشته به اتفاق ملاتقی نام تاجر طایفه چاروای اتابائی به شهر می آمدند، تصادف و چپاول می نمایند. يك نفر عرابهچی را مقتول [ساخته] عرابهها را بامالالتجاره و ملاتقی به گموش تپه می برند. ریسمان به گردن ملاتقی انداخته در بازار گموش تپه گردانیده، انواع واقسام اذیت را نمودند. چند روز است طایفه جعفریائی به شهر رفت و آمد ندارند و سوارهای اتابائی برای تقاص همه روزه بسخو داشتند. تاجچه اقتضا کند.

درباب قتل

سیدابراهیم تاجر معروف استرآبادی برای گرفتن یکصد و پنجاه تومان طلب از ترکمانی ساکن اترک سوار شده می رود. ترکمان می گوید من پول ندارم. ولایت هرج ۲۴۸ و مرج [است] چرا شما آمدید. سیدابراهیم می گوید حال که آمدم طلب من را می دهید یا نمی دهید؟ بر می گردم ترکمان جواب داده پول که ندارم گاومی خواهید می دهیم. معزی الیه تعرضاً حرکت می کند. پیشنهاد(?) به سمت آق قلعه می آید ترکمانهای اترکی او را مانع می شوند گوش نمی دهد. دوفرسخ از اترک دور می شود پسر صاحب خانه مدیون با يك نفر سوار تعاقب کرده می رسند، سیدابراهیم تاجر را به قتل می رسانند. اسب و تفنگ ده تیره او را می برند. بعد از سه روز خبر به شهر رسیده به اتفاق دو نفر ترکمان اتابائی آدم روانه کرده نعش سید مذکور را به شهر آوردند.

درباب ورود

به تصویب حکومت استرآباد ولی الله خان را به حکومت فندرسک می فرستند ۳۴۹ و اهالی رامیان و فندرسک هم عموماً خواهان ولی الله خان می باشند. روز سیم ماه جولای ایلخانی مراجعت به طایفه داز نموده ولی الله خان و پسرش به اتفاق سی سوار یموت وارد به دارالحکومه می شود. ایالت مشارلیه را به منزل سهم الممالک فرستاده پذیرائی نمایند. در ضمن وکیلالتجار و آقامیرزامهدی مجتهد با حکومت مشغول مذاکره و اقداماتی می باشند، حکومت فندرسک را به اسم ولی الله خان خاتمه داده، ایلخانی و امیرعشایر تصرفانی ننمایند. عمل را تصفیه کرده عده نظامیان را از رامیان احضار خواهند کرد. تا چه شود.

نمره ۲۵۰

۱۴ ماه جولای ۱۹۲۳

درباب ورود

امیر اشرف برادر امیر مؤید را وزیر جنگ به سبب سوءظنی که داشته او را به مأموریت

۳۴۸- اصل: حرج.

۳۴۹- اصل: بفرستید.

استرآباد [و] حکومت جعفر بائی فرستاده ماهی یکصد و سی تومان حقوق از دولت می گیرند.

درباب ایلخانی

بعد عرض رفتن ولی الله خان پسرش در شهر آمده مجدداً وکیل التجار با حکومت مذاکره برای اصلاح نموده روز ششم ماه جولای بد قریه حسین آباد رفته ایلخانی را وارد شهر نمودند. خدمت حکومت رفته حسب الامر منزل سهم الممالک وارد شدند. از قرار مذکور نظامیان مأمور فندرسک زیاده از پنجاه هزار تومان اموال ایلخانی را و اهالی رامیان را چپاول کرده اند.

درباب غارت

دو نفر شاهکوهی بد قریب بیست تومان اجناس ذرعی خریده می رفتند دوفرسخی مشرقی ترکمانهای طایفه ایلیغی آنها را غارت می نمایند.

درباب قتل

هفتم ماه مذکور خبر رسید تراکمه جعفر بائی عالی خان قجر ساکن حیدرآباد را در صحرا بد قتل رسانیده و نعش او را فرستادند. تاجه اقتضا کند.

درباب روسها

قونسول بالشویکی دربب تبلیغ و تحریک اهالی استرآباد و یموت ساعتی آسوده نیست. اتعالم مشغول عملیات می باشد. بد توسط غفارزاده ۲۵۰ [که] دوسال قبل مترجم قونسلخانه بوده منزلی در محله نعلبندان برای تبلیغ اهالی قرارداده اند و همه روزه یا در صحرای یموت یا توابع بندر جز می روند و تجارتخانه روس در استرآباد می باشد. آنچه فروش می شود تماماً مصارف ترکمانها می شود ۲۵۱. تاجه اقتضا کند.

درباب چپاول

محمد حسین خان رئیس قشون شمال را که روز قبل وزیر جنگ احضار می نماید مجدداً بد مأموریت گیلان می روند. از آنجا تلگراف به یاور احمد خان نموده اثاثیه معزی الیدرا از راه دریا حمل نمایند. یک صندوق که تقریباً سی هزار و هشتصد تومان وجه نقد و نقره آلات بوده به انضمام فروش ترکمانی و یک عدد پیانو بادو عرابه و ده نفر قزاق ایرانی و سه ترکمان حمل بد سمت قراسو می نمایند. در دوفرسخی قراسو رسیده تراکمه پیش آمده خبردار شده بد عنوان سه هزار تومان طلب حقوق خود آمده عرابه چی و نظامیان را دستگیر

۳۵۰- اصل: قفارزاده.

۳۵۱- اصل: می نزنند.

کرده بردند. سه نفر عراقی فرار کرده‌اند. سه نفر ترکمان که همراه او بوده روز دیگر با عده‌ای از اقوام و عشیره خود در بش اسقه مشغول اصلاح می‌باشند.

درباب تلگراف

دوازدهم تلگرافی از جانب تجار طهران کلیه و متحدان مال ۲۵۲ برای تجار و علمایان استرآباد رسیده است. علماء و طلاب که در عراق عرب بوده عموماً را تبعید نموده‌اند. روز سیزدهم آقایان امر نموده کسبه دکاکین را بسته در مدرسه دارالشفاء جلسه [کرده] و تلگراف را قرائت نمودند. ایضاً روز چهاردهم در مدرسه ازدحام بزرگی بوده، رؤسای دوایر دولتی راهم احضار [کرده بودند]. حکومت بایک طغرا تلگراف وارد به مدرسه گردیده، قرائت شد که سفارت فخریه انگلیس اظهار می‌دارد به موجب خبر تلگرافی که رسیده است طلاب و مجتهدین ایرانی ساکن کربلا و نجف خودسرانه حرکت به سمت ایران نموده‌اند. القاء شبهه نشود که انگلیسها آنها را بیرون نموده‌اند و ضمناً می‌گویند به موجب تلگراف که از علما رسیده یک نفر مجتهد مفقود است.

نمره ۲۱۵

۲۵ جولای ۱۹۲۳

درباب روسها

روز شانزدهم ماه جولای دو نفر نظامی اداره تحدید مفتش دروازه شاهرود یک نفر قاصد کاغی داشت غفارزاده بدتحریک روسها به رؤسای اتابائی و جعفربائی به خط ترکی نوشته بودند، ایران منقلب شده نخواهید. موقع قتل و غارت است. البته استرآباد را مغشوش کنید. نوشته را به دیاورا احمدخان می‌دهند. دوروز قدغن سخت شد کسی را از شهر خارج نکردند.

درباب حکومت ظهیرالدوله

علمایان و تجار استرآباد که برای تبعید حجج اسلام در مدرسه دارالشفاء انجمن و اتحاد نموده‌اند، حاج شیخ حسین وکیل سابق استرآباد بیلاق بوده. روز مذکور وارد به شهر گردیده در مدرسه پیاده می‌شود. عمامه خود را برداشته ای‌وای خارجیان و انگلیسیهای ظالم. نزدیک به منبر رسیده داد و فریاد زیادی می‌نمایند. بعد چند تلگراف به علمای اصفهان و طهران نمودند که برای حرکت استبدادی دولت بریطانیا جاناً و مالاً حاضریم. در ضمن هم تلگرافی به ریاست وزراء از بی کفایتی حکومت می‌نمایند. روز هیجدهم ریاست وزراء تلگرافی به عموم علما و تجار نموده مؤیدالدوله حکومت استرآباد است عمأقرب حرکت

خواهند نمود. امیر احتشام اهل و عیال خود را روانه به سمت شاهرود [نموده] مشغول تصفیه قبوضات مالیه می‌باشد. پنج هزار تومان مطالبه حقوق داشته در صورتیکه در بودجه سال نو که از اول برج جوزا باشد حقوق حکومت و کابینه در ماهی چهارصد و شصت تومان تصویب شده است. لهذا حکومت روز نوزدهم به عنوان رفتن بیلاق به زیارت خاصه رود می‌رود. کفالت حکومتی را هم به یاورا حمدخان رئیس عده نظامی واگذار نموده‌اند. تا چه اقتضا کند.

درباب شورش

حاج شیخ حسین و کیل سابق دو روز قبل در مسجد جامع بعد در محلی و در مسجد گلشن می‌رود تجار و کسبه را جمع نموده روزی دومرتبه شخصاً به منبر رفته به آواز بلند مرده باد انگلیس - آی مرده باد دولت بریطانیا - آی مرده باد طرفداران انگلیس [می‌گویند]. بچه‌های مدرسه را با بیرق سیاه در کوچد و مساجد [برده] مرده باد انگلیس و طرفدار انگلیس [می‌گفتند]. عجالتاً که روز عید اضحی می‌باشد از این گونه مطالب و عنوان متصرف شده‌اند. بارئیس اوقاف طرفیت دارند. می‌گویند استراپاد اوقاف نمی‌خواهد. مربوط به دولت نیست و ابداً نماینده نمی‌خواهیم و تلگرافاً به طهران شاکی هستند. در مسجد گلشن، بعد از این مذاکراتی بر علیه حاج شیخ حسین دونفر از علما نسبت به مجلس شورا و اشخاصی که و کیل بوده‌اند حرفهای زشت [می‌زنند]، تجدید امر آخوند ملا علی عاجز، فحش عانی و نامربوط به و کلاه و اجزاء مجلس گفتند. ایضاً آقا صادق روضه خوان بد تحریک شیخ اسمعیل قاضی محرک بودند. در بوده حاج شیخ حسین فحش و حرفهای زشت نسبت به و کلاه و مجلس گفتند که آخر الامر مشارالیه بورشده با کمال انفعال از مسجد گلشن به منزل خود رفتند. تا چه اقتضا کند.

نمره ۲۲

۱۴ ماه اگست ۱۹۲۳

درباب قتل

بیست و هفتم جولای پنج نفر تراکمه داز از شهر مراجعت می‌کردند چهار نفر رعیت قلی آباد دونفر ترکمان را به قتل رسانیده اسب و تفنگ آنها را می‌برند. تراکمه داز به شهر آمده به کفیل حکومت عارض می‌شود. چند نفر قزاق رفته دونفر قاتل را به شهر آورده حبس نمودند.

درباب وجه

ایضاً اسکندر خان چهارده هزار تومان وجه از مازندران برای حقوق اداره قشونی